

دلایل و پیامدهای عضویت بوسنی و هرزگوین در اتحادیه اروپا

علی باقری دولت‌آبادی*

چکیده

گسترش اتحادیه اروپا یکی از موضوعات مهم بین‌المللی از دهه ۹۰ تاکنون بوده است. بوسنی و هرزگوین از جمله نامزدهایی است که تلاش خود برای پیوستن به این اتحادیه را از سال ۲۰۰۰ شروع کرده و هنوز با مشکلاتی در این راه روبرو می‌باشد. پرسش اصلی مقاله این است که عضویت بوسنی و هرزگوین در اتحادیه اروپا چه دلایل و پیامدهایی به همراه دارد؟ فرضیه اصلی پژوهش، بازگشت به جامعه اروپا و تحقق صلح و ثبات در این کشور را مهم‌ترین دلیل و تضعیف هویت اسلامی و اصلاحات سیاسی - اقتصادی را در زمره مهم‌ترین پیامدهای این الحاق ذکر می‌کند. برای این منظور از چهارچوب نظری سازه‌انگاری با تکیه بر روش تحلیلی استفاده خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: اتحادیه اروپا، بوسنی و هرزگوین، معاهده قانون اساسی، نظریه سازه‌انگاری.

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج (abagheri@yu.ac.ir).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۷
فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره دوازدهم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۶۰-۱۲۷.
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۷

مقدمه

نام بوسنی و هرزگوین برای جهانیان بویژه ایرانیان بسیار آشناست. کشوری که در طول تاریخ بیش از هزار ساله خود رنج و ناملایمات بسیاری را تحمل کرده است. به نحوی که می‌توان گفت خاک این کشور همواره مورد طمع همسایگان یا قدرت‌های بزرگ بوده است. مروری بر تاریخ این کشور، گواهی بر سلطه آلمان و اتریش - مجارستان می‌باشد. وضعیتی که شاید برای کمتر دولت دیگری در جهان رخ داده باشد و پیامدهای آن برای این کشور امروزه به خوبی در فرهنگ، معماری، زبان، قومیت و مذهب مردمان بوسنی قابل مشاهده است. اگرچه بوسنی موزائیکی زیبا از میراث قومی، مذهبی، آداب، سنت‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف را شکل داده با اینحال این تنوع بخاطر استفاده ابزاری سیاستمداران جاه طلب عامل مهمی در بروز خصومت‌های قومی و ملی و گرایش‌های ناسیونالیستی در این کشور شده است. این مسئله به همراه مداخلات خارجی بر سرنوشت مردم این کشور تأثیرات بسیاری نهاده است. جنگ خونین سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۵ که به پاکسازی قومی، جنایات جنگی، ازبین رفتن زیرساخت‌های سیاسی و اقتصادی بوسنی منجر شد جلوه بارز تغییر ترکیب قومی مذهبی این کشور می‌باشد. درگیری‌های سیاسی و قومی در بوسنی که در ابتدا موضوعی مربوط به اروپا دانسته می‌شد سرانجام با بالا گرفتن دامنه بحران و مداخله امریکا با تنظیم موافقتنامه صلح دیتون در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۵ پایان یافت. اگرچه موافقت نامه صلح دیتون در دست یابی به هدف اولیه خویش یعنی پایان دادن به جنگ و خونریزی موفق بود اما در فرایند مجازات جنایتکاران جنگی، دولت سازی و آشتی ملی کمتر موفق بوده است. با همه مشکلات فوق‌الذکر بوسنی طی سالهای اخیر به شدت علاقمند پیوستن به اتحادیه

اروپا شده است. بنحوی که مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی این کشور در حال حاضر الحاق به اتحادیه اروپا می‌باشد. سوال اصلی که این پژوهش قصد پرداختن به آن را دارد این است که دلایل بوسنی برای پیوستن به اتحادیه اروپا چیست؟ اتحادیه اروپا از این فرصت چه اهدافی را دنبال می‌نماید؟ چه مشکلاتی بر سر راه تحقق این خواسته وجود دارد؟ فرضیه اصلی پژوهش، بازگشت به جامعه اروپا و تحقق صلح و ثبات در این کشور را مهم‌ترین دلیل و تضعیف هویت اسلامی و اصلاحات سیاسی - اقتصادی را در زمره مهم‌ترین پیامدهای این الحاق ذکر می‌کند. در انجام این پژوهش از روش تحلیلی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای - اینترنتی استفاده شده است. چهارچوب نظری پژوهش را نظریه سازه‌انگاری شکل خواهد داد.

۱. پیشینه پژوهش

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر مروری بر کتاب‌ها و مجلات تخصصی منتشر شده در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که این موضوع کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بطورخاص می‌توان آثار منتشر شده درباره بوسنی و هرزگوین را به چهار گروه تقسیم کرد: دسته اول آثاری که از منظری تاریخی به موضوع نگریسته و تلاش کرده‌اند حضور مسلمانان و سختی‌هایی که در این کشور متحمل شده‌اند را به تصویر کشند. (اکبری، ۱۳۸۴، امینیان، ۱۳۸۵، آسایش زارچی، ۱۳۷۶، یوسفیان، ۱۳۷۲) دسته دوم پژوهش‌هایی هستند که در دهه ۹۰ و مقارن با جنگ داخلی در بوسنی و هرزگوین منتشر شده‌اند. این پژوهش‌ها بیشتر به ریشه‌یابی بحران در بالکان و روابط صرب‌ها با مسلمانان در این منطقه می‌پردازند. (Burg and Shoup, 1999) مجموعه کاملی از این آثار در مقالات گردآوری شده تحت عنوان «بوسنی و هرزگوین: چشم انداز آینده» آمده است (رحمانی و قدس، ۱۳۷۷) با پایان یافتن بحران در منطقه بالکان همانند بسیاری از موضوعات که فقط برای مدت اندکی مورد توجه اصحاب قلم قرار می‌گیرند موضوع بوسنی و هرزگوین نیز - علی‌رغم روابط حسنه کشور ایران و بوسنی - به فراموشی سپرده می‌شود. دسته سوم پژوهش‌های مرتبط با موضوع، آثاری هستند که به رخدادهای سیاسی بوسنی پس از صلح دیتون اشاره دارند (بگوویچ، ۱۳۸۴) و می‌کوشند

مشکلات پیش روی این کشور برای تحقق دموکراسی را بررسی نمایند. (Chandler, 2000, Bose, 2002) آخرین گروه از پژوهش‌های مرتبط با بوسنی و هرزگوین آثاری هستند که نگاه اروپایی‌ها به مسئله گسترش اتحادیه اروپا و عضویت اعضا جدید را بررسی می‌نماید. (Salzman, 2004) روند تلاش‌ها برای انجام اصلاحات مورد نیاز در بوسنی برای هموار گشتن مسیر پیوستن به اتحادیه اروپا در این گروه از پژوهش‌ها قابل بررسی است. (Husejnovic, 2005, Husejnovic, 2009, Rehn, 2009, Woehrel, 2009). یافته‌های محقق نشان می‌دهد در هیچ اثر فارسی این موضوع مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا اهمیت پژوهش حاضر می‌تواند در طرح مجدد موضوع برای دانشجویان و اساتید حوزه روابط بین‌الملل، پر نمودن بخشی از خلاء علمی موجود و برجسته سازی اهمیت مسئله الحاق بوسنی و هرزگوین به اتحادیه اروپا برای مسئولین دستگاه سیاست خارجی کشور، برای توجه بیشتر به تحولات حوزه بالکان باشد.

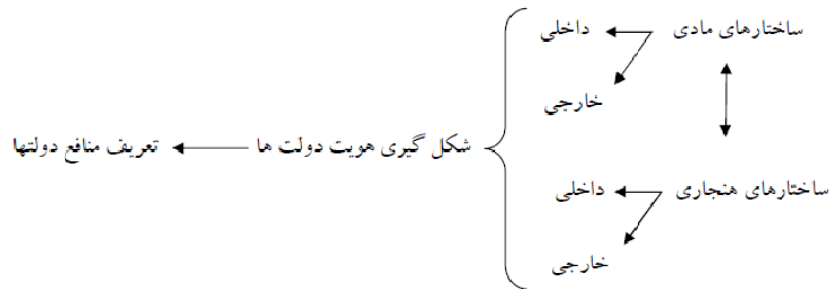
۲. چهارچوب نظری

جدی‌ترین و مهم‌ترین رهیافتی که طی دهه اخیر در روابط بین‌الملل شکل گرفت و تأثیرات مهمی در حوزه نظری، فرانظری و تا حدی عمل برجای گذاشت نظریه سازه‌انگاری می‌باشد. این نظریه که در اصل و ابتدا توسط اونهاف مطرح گردید با نوشته‌های ونت شناخته و معروف شد. اینک سازه‌انگاری در کنار دو نظریه پرداز فوق با دیدگاه‌های جان راگی^۱، تدهاف^۲ و فردریک کراتوچویل^۳ در سراسر جهان شناخته می‌شود. آنچه که این نظریه را از سایر نظریه‌ها متمایز می‌سازد سه اصل هستی‌شناختی است که در مورد زندگی اجتماعی و تأثیر آن بر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ذکر می‌کند. سه اصل مذکور عبارتند از:

- الف) اهمیت ساختارهای هنجاری، ایده‌ای و فکری همانند ساختارهای مادی؛
- ب) نقش هویت‌های اجتماعی در شکل‌گیری منافع و رفتار بازیگران؛ و
- ج) ساخته شدن متقابل کارگزار و ساختار.

1. John Ruggie
2. Ted Hopf
3. Fredrich Kratochvil

سازه انگاری برخلاف واقعگرایی کنش‌های اجتماعی و سیاسی را صرفاً متأثر از ساختارهای مادی نمی‌داند بلکه به نقش ساختارهای هنجاری و فکری و نظام‌های معنایی می‌پردازد و تعیین می‌کند که چگونه بازیگران محیط مادی خود را تفسیر می‌نمایند. از این منظر واقعیت‌های بین‌الملل توسط آن ساختارهای معرفتی که به دنیای مادی معنا می‌دهند، شناخته می‌شوند و بازیگران نسبت به موضوع‌ها و بازیگران دیگر، بر اساس معنا و مفهومی که آن موضوعات برای آنها دارند عمل می‌کنند و از این رو، رفتار با دوست و دشمن متفاوت است. (کرمی، ۱۳۸۳: ۱۶۲) طبق این نظریه هویت‌ها از پیش تعیین شده نیستند و نظام‌های معنایی نهادینه شده تعریف کننده هویت بازیگران هستند. طبیعی است پس از تعیین هویت است که منافع بازیگران شکل می‌گیرد. (قهرمانپور، ۱۳۸۳: ۳۰۶)



بر اساس نظریه سازه انگاری هویت‌ها هم در سیاست بین‌الملل و هم جامعه داخلی برای تضمین دست کم برخی سطوح قابلیت پیش بینی و نظم امری ضروری هستند. انتظارات همیشگی در میان دولتها نیاز به هویت‌های بینا ذهنی دارد که به اندازه کافی با ثبات باشند تا الگوهای رفتاری را قابل پیش بینی سازند. جهان بدون هویت؛ جهانی آشفته، جهانی با ابهام فراگیر و غیر مطمئن و جهانی خطرناکتر از وضعیت آنارشی است. هویتها سه کارکرد ضروری را در جامعه ایفا می‌کنند: «آنها به شما و دیگران می‌گویند که شما کی هستید و دیگران کی هستند. با گفتن اینکه شما کی هستید هویتها قویاً دربردارنده مجموعه خاصی از منافع یا ترجیحات با توجه به فرصتهای اقدام در قلمروهای خاص و در ارتباط با بازیگران خاص می‌گردند».

(Hopf, 1998: 173-174)

همانگونه که جان راگی تأکید می‌کند هویتها برخاسته از عوامل فکری، ایده‌ها

و هنجارها هستند مواردی که با گذشت زمان تغییر پیدا می‌کنند. (33: ۱۹۹۸ Reggie) لذا هویت‌ها تغییر پیدا می‌کنند. هویت به معنای فهم‌های نسبتاً ثابت و مبتنی بر نقش خاص خود و انتظارات از دیگران است. بازیگران منافع و هویت خود را از طریق مشارکت در معانی جمعی بدست می‌آورند؛ یعنی همان معانی که ساختارها را تعریف کرده و به کنش‌های ما سازمان می‌دهند. هویتها و منافع، اموری مرتبط هستند و وقتی ما موقعیت را تعریف می‌کنیم آنها نیز تعریف می‌شوند. (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۲۱) یک دولت دیگران را به موجب هویتی که به آنها اعطا می‌کند شناسایی می‌کند. این در حالی است که همزمان هویت خودش را از طریق رویه اجتماعی روزانه باز تولید می‌کند. اظهار عقیده قاطع در اینجا این است که سازنده هویت کنترلی بر آنچه نهایتاً از سوی دیگران فهم می‌شود، ندارد. برای مثال در طول جنگ سرد، یوگسلاوی و دیگر کشورهای اروپای شرقی اتحاد شوروی را به عنوان رئیس خود نمی‌پذیرفتند. درحالیکه واقعیت این بود که اتحاد شوروی سخت تلاش می‌کرد آن هویت را داشته باشد. کنترل شوروی بر هویت خودش به لحاظ ساختاری نه تنها بوسیله فهم اروپای شرقی بلکه همچنین بوسیله رویه روزانه شوروی - که البته گفتگو با اروپای شرقی در روسیه را دربر می‌گرفت - محدود می‌شد. (Hopf, 1998: 173-174)

دیدگاه سازه‌انگاری در مورد ساخته شدن هویت دولتها در بحث الحاق بوسنی و هرزگوین به اتحادیه اروپا از آن رو مفید واقع می‌گردد که بر تغییر هویت دولتها به لحاظ نظری تأکید دارد و اینکه بیان می‌نماید بلافاصله پس از تغییر هویت، تعریف منافع ملی نیز تغییر خواهد یافت. همانگونه که اشاره کردیم برطبق هویت جمعی^۱ مردم بوسنی هویت خود را عموماً تا پیش از پایان جنگ سرد کمونیست و پس از آن مسلمان تعریف می‌کردند و بخشی از مجموعه اروپای واحد تحت عنوان جامعه اروپایی قرار نمی‌دادند. برای اینکه این هویت تعدیل و با هویتی جدید جایگزین گردد نیاز به تغییر هم در بحث ساختارهای مادی و هم در ایستارها، هنجارها و باورها می‌باشد. عضویت در اتحادیه اروپا می‌تواند ساختار مادی لازم

۱. هویتی که به قوام دولتها قبل از تعامل در نظام بین‌الملل برمی‌گردد و برخاسته از ساختارهای بین‌ذهنی داخلی است.

برای این تغییر را فراهم آورد. با عضویت در اتحادیه اروپا هویت اروپایی مردم این منطقه تقویت خواهد شد. این امر بیش از هرکس مطلوب و خواسته بخش‌های صرب نشین این کشور می‌باشد. آنها خود رابخشی از بدنه اتحادیه اروپای کنونی با ۲۷ عضو خواهند دید و نه صرفاً کشوری مجزا از سایرین در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی. عضویت در اتحادیه خود بخود ایده‌ها و هنجارها را تغییر خواهد داد. تعیین اینکه یک بوسنیایی، بلغاری، رومانیایی و... در قالب یک شهروند اروپایی چه وظیفه‌ای دارد؟ دولت این کشور چگونه باید عمل کند؟ چه استانداردهایی می‌بایست محترم شمرده شود و بسیاری دیگر از مسائل، موضوعاتی هستند که بتدریج خود را نشان خواهند داد. دقیقاً به همان شکلی که اکنون بخشی از این هنجارها در قالب پیش شرط برای عضویت در اتحادیه اروپا در حال تحمیل به بوسنی و هرزگوین هستند. اتحادیه اروپا ظرف بیش از پنجاه سال گذشته از طریق مجموعه‌ای از اعلامیه‌ها، پیمان‌ها، سیاست‌ها، معیارها و شرایط هنجارهای خود را گسترش بخشیده است. (Laffan, 2001:709-727) به تأکید ونت با قرار گرفتن در وضعیت و شرایط خاص کنشگران ملزم به باز تعریف منافع می‌گردند. به بیان دیگر آنچه مردم می‌خواهند وابسته به این است که «چه کسی» تعامل دارند، تا چه حد به دیگران وابسته هستند، در فرایند تعامل چه می‌آموزند و چگونه به اولویت و دعاوی خود نسبت به دیگران مشروعیت می‌بخشند. کنشگران بین‌المللی در درون ساختارهای معنایی عمل می‌کنند که تجسم هنجارهای خاصی هستند و کنشگران که در آنها عمل می‌نمایند از طریق فرایند جامعه‌پذیری می‌آموزند که باید چه اولویت‌هایی داشته باشند. (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۸۰)

درواقع همانگونه که در نظریه سازه‌انگاری بر آن تأکید می‌شود بین ساختار و کارگزار نوعی رابطه متقابل وجود دارد. بر اساس این چهارچوب فکری، ساختار و کارگزار درگیر فرآیندی هستند که نه برخاسته از ساختار است و نه برخاسته از کارگزار بلکه آن دو به شکلی متقابل همدیگر را قوام می‌بخشند؛ یعنی کنش‌های انسانی در شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی دخیل هستند و در عین حال، کنش‌های انسانی در قالب یک ساختار صورت می‌پذیرند (ونت، ۱۳۸۴: ۲۱۱). بنابراین از نظر سازه‌انگاران ساختار و کارگزار به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند.

ساختارهای اجتماعی نتیجه پیامدهای خواسته و ناخواسته کنش‌های انسان‌اند و در عین حال، همان کنش‌ها یک بستر ساختاری تقلیل‌ناپذیر را مفروض می‌گیرند که این بستر به عنوان میانجی برای آن‌ها عمل می‌کند. خود ساختارها به عنوان پدیده‌هایی نسبتاً پایدار با تعاملی متقابل است که خلق می‌شوند و بر اساس آن‌ها کنشگران هویت‌ها و منافع خود را تعریف می‌کنند. ساختار جدا از فرآیند یعنی جدا از رویه‌های کنشگران وجود ندارد. (مشیرزاده، ۲۰۰۳: ۱۳۸۰). این نوع نگاه موجب می‌گردد تا با بررسی وضعیت الحاق بوسنی و هرزگوین به اتحادیه اروپا شرایط جدید را قرار گرفتن در ساختاری جدید در نظر بگیریم که خواسته یا ناخواسته بر کارگزار تاثیر خواهد گذاشت. این شرایط قطعاً با آنچه که پیش از آن وجود داشته متفاوت خواهد بود و قواعد و دستورالعمل‌هایی را بر بازیگر تحمیل خواهد کرد. اگرچه اضافه شدن یک دولت مسلمان به مجموعه‌ای مسیحی نشین می‌تواند بر ساختار مذکور تاثیرگذار باشد اما باید در نظر داشت که بازیگران بین‌المللی به لحاظ میزان قدرت در یک سطح نیستند و در اینجا نیز این هنجارها و قواعد تحمیلی از سوی اتحادیه اروپا است که به مراتب تاثیر بیشتری خواهد گذاشت. چراکه محیط بین‌المللی که دولتها در آن عمل می‌کنند بیش از آنکه مادی باشد، فرهنگی و نهادی است و در روند تعامل دولتها ساخته شده و بازسازی می‌گردد. محیط فرهنگی و نهادی غالباً توسط دولتهای بزرگ شکل می‌گیرد جالب این است که، این محیط فرهنگی و نهادی، بیشتر از آنکه بر رفتار دولتها اثر بگذارد، بر تعریفی که آنها از خود دارند، اثر می‌کند. (کرمی، ۱۳۸۳: ۱۷۰) درحقیقت دولتهای جدیدی که پس از الحاق به اتحادیه اروپا پدید خواهند آمد منفعی متفاوت از گذشته برای خود تعریف خواهند کرد. تحول هویت و منافع از طریق تحول همکاری دو محدودیت دارد:

- ۱- این فرایند بسیار کند پیش می‌رود.
 - ۲- اگر کنشگران برداشتشان از یکدیگر منفی نباشد هویت عوض می‌شود ولی اگر برداشت آنها منفی باشد باعث تغییر هویت نمی‌شود.
- سازهانگاری عنوان می‌کند بازیگران برحسب معانی ذهنی، زبان و تلقی‌های خود (که برآمده از هویت آنهاست) دست به کنش متقابل می‌زنند و این تعامل

واقعیت را می‌سازد و آن‌گاه در تعامل با واقعیت، ساخته می‌شوند. نتیجه طبیعی این تلقی در تبیین رفتار سیاست خارجی یک کشور آن است که دولت‌ها بر اساس هویت زمینه‌مند خود، جهان را برای خود می‌سازند و آن‌گاه در تعامل با واقعیت، ساخته می‌شوند و بر اساس آن دست به کنش می‌زنند و در این کنش متقابل واقعیت نظام بین‌الملل را می‌سازند.

در این‌جا کشورها در مقابل بازیگران صحنه بین‌المللی «تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و در نهایت اجرا می‌کنند» ولی آن‌ها همه این کارها را بر اساس درک خود از جهان انجام می‌دهند. پس در اینجا حکم سازه‌انگاران آن است که در سیاست خارجی عمل بر ساختن است. (متقی، ۱۳۸۶: ۲۱۷).

به عبارت دیگر فرایند تغییر هویت در کشورهای بالکان تدریجی است و آنان درگیر نوعی فرایند بازساختن می‌گردند. آنها برحسب معانی ذهنی، زبان و تلقی خود دست به کنش متقابل می‌زنند و در تعامل با واقعیت ساخته می‌شوند. این فرایند بقدری آرام صورت می‌گیرد که حتی ممکن است درک تحول آن برای مردم عادی دشوار و نامحسوس باشد اما با گذر زمان بتدریج اثر خود را نشان خواهد داد. نخستین نشانه‌های این تغییر عموماً در شاخص‌های فرهنگی و استانداردهای زندگی است که برای خود تعریف می‌کنند. هرچه زمان بیشتری از تاریخ الحاق به اتحادیه اروپا برای مردم این کشورها می‌گذرد آنان بیشتر از هویت اسلامی خود دور می‌شوند. در این میان تحولاتی همچون انقلاب ارتباطی و اطلاعاتی نیز بر این فرایند تأثیر می‌گذارد. برای نتیجه بخش بودن، این فرایند در چهار مرحله صورت می‌گیرد:

- ۱- تضعیف اجماع درباره تعهدات هویت: مثلاً در شوروی تعهد هویتی متکی به نظریه امپریالیستی لنین در دهه ۸۰ شکسته شد.
- ۲- تضعیف اجماع درباره تعهدات هویت باعث ایجاد گام دوم می‌شود یعنی بررسی انتقادی ایده‌ها و برداشتهای قدیمی درباره خود و دیگری.
- ۳- برای تحول خود، اغلب ضروری است که هویت و منافع دیگران را تغییر دهیم.
- ۴- پاداش دادن به طرف مقابل که باعث می‌شود کنشگر خود خواه به سمت

همکاری گرایش پیدا کند. (Wendt, 1992: 15)

هویت به ملت‌ها اجازه می‌دهد که جهان را معنادار کنند، به دسته‌بندی موجودیت‌های دیگر اقدام کنند و دیگری را دوست یا دشمن تعریف کنند (آقایی، ۱۳۸۶: ۵). در سایه این مفاهیم و تعاریف است که دولت‌ها و ملت‌ها، وضعیت موجود نظام بین‌الملل را قابل تحمل یا غیر قابل تحمل می‌یابند. دولت‌ها با این تصورات در مورد تغییر یا حفظ وضع موجود بر می‌آیند، با کشوری متحد می‌شوند و بر علیه دیگر اقدام می‌کنند. در این چهارچوب آن‌ها موقعیت‌ها را برای خود معنادار می‌کنند، حوزه‌های نفوذ خود را تعریف می‌کنند و ضرورت‌ها و نیازهای خود را بازشناسی می‌کنند و در یک کلام سیاست خارجی خود را می‌سازند (متقی، ۱۳۸۶: ۲۲۰). قرار گرفتن بوسنی و هرزگوین در زمره اعضاء اتحادیه اروپا نیز هویت تازه‌ای به آن خواهد بخشید که تمامی دوستی‌ها و اتحادهای گذشته این کشور را تغییر خواهد داد. قطعاً در این تغییرات نوع روابط و کیفیت آن با دولت‌های مسلمان همانند ایران متحول خواهد شد. این دولت همچون گذشته آزادی عمل برای هرگونه اقدامی را نخواهد داشت و ملزم خواهد بود تا با هویت جدید خود بعنوان عضوی از اتحادیه اروپا دست به تصمیم‌گیری بزند.

بدین ترتیب به موجب نظریه سازه‌انگاری باید گفت همچنانکه افزوده شدن دولت جدیدی به اتحادیه اروپا هویت آن را دستخوش تغییر قرار می‌دهد، هویت عضو جدید پذیرفته شده نیز تغییر می‌یابد. البته میزان این تغییرات برحسب قدرت هر یک از طرفین متفاوت خواهد بود. در ادامه چگونگی گسترش اتحادیه اروپا و عضویت بوسنی و هرزگوین در آن را پی می‌گیریم.

۳. مذاکرات برای الحاق بوسنی و هرزگوین

ایده پیوستن بوسنی و هرزگوین به اتحادیه اروپا چندان جدید نیست و ریشه در گسترش روابط این کشور در طول نیمه دوم دهه ۹۰ با اتحادیه اروپا دارد. مهم‌ترین رخداد در این رابطه به اتخاذ «رویکرد منطقه‌ای» در آوریل ۱۹۹۷ از سوی شورای وزیران اتحادیه اروپا باز می‌گردد که در چهارچوب آن اتحادیه اروپا شرایط سیاسی و اقتصادی برای روابط خود با بوسنی و هرزگوین وضع کرد. (NATO's future role)

Bosnia in...,2004: 3) در ادامه در نشست ژوئن سال ۲۰۰۰ اتحادیه اروپا در فیرا^۱ مسئله عضویت بوسنی برای نخستین بار مطرح شد. (See: Nicolaidis, 2000)

گام عملی در راه عضویت بوسنی در اتحادیه اروپا با آغاز گفتگوها در مورد موافقت نامه برقراری ثبات و اتحاد در ۲۵ نوامبر سال ۲۰۰۵ برداشته شد. برای آماده ساختن بوسنی جهت امضاء موافقت نامه مشارکت با اتحادیه اروپا، شورای وزیران بوسنی حداقل ۲۳ گروه کاری متشکل از کارمندان بخش داخلی وزارت خانه‌ها و کارشناسان نهادهای کشورشان تشکیل دادند و به مسائل ذیل پرداختند:

۱. چه قوانینی متعارض با قوانین اتحادیه اروپاست و می‌بایست جایگزین شود.
۲. قوانینی که نیاز است همتراز شود کدام‌ها هستند.
۳. چه قوانین کاملاً جدیدی نیاز به پذیرش و وضع شدن دارند.
۴. نهادها و زیرساخت‌هایی که نیاز است تأمین یا بازسازی شود چه مواردی را دربر می‌گیرد. (Requirements for the integration..., 2008:2)

همزمان با شروع به کار گروه کاری در داخل بوسنی، ریاست بخش همگرایی اروپایی شورای وزیران اتحادیه در تاریخ ۲۴ جولای ۲۰۰۴ اولویت‌های ۱۶ گانه لازم درخصوص بوسنی را پیشنهاد نمود. این حوزه‌ها توسط گزارش کمیسیون اروپا برای شورای وزیران اتحادیه اروپا با هدف آماده‌سازی مذاکرات بین بوسنی و هرزگوین و این اتحادیه در مورد موافقت نامه ثبات و اتحاد تعریف شدند. این حوزه‌ها مربوط بودند به برآورده کردن شرایط موجود و تعهدات بین المللی حکمرانی خوب، اداره امور به شکل مناسب، همگرایی در اروپا، اجرای حقوق بشر، قوه قضائیه کارآمد، پیشگیری از جرم مخصوصاً جرایم سازمان یافته، مدیریت پناهندگی و مهاجرت، اصلاح حقوق گمرکی و قوانین مالیاتی، وضع قانون بودجه، روال بودجه‌گذاری، آمار قابل اطمینان، سیاست تجاری هم‌نوا با اتحادیه اروپا، بازار انرژی یکپارچه، فضای اقتصاد مشترک در حال توسعه بوسنی در رسانه عمومی.

(Husejnovic, 2005: 8)

۱. Feira European Council: شورای اروپای ژوئن سال ۲۰۰۰ که در آن دولت‌های عضو بر اولویت‌هایی در رابطه با ابعاد خارجی دادگستری و امور اتحادیه (روابط با کشورها و مناطق خارج از اتحادیه اروپا) موافقت کردند.

در ادامه این اصلاحات در مارس ۲۰۰۵ کمیسیون نیس^۱ طیفی از اصلاحات قانون اساسی مورد نیاز برای انطباق یافتن بوسنی با استانداردهای اروپا پیش از شروع موافقت‌نامه ثبات و اتحاد را وضع کرد. این اصلاحات عبارت بودند از:

۱. انتقال برخی صلاحیت‌ها از بخش‌ها به دولت مرکزی؛
 ۲. اصلاح ساختارهای قانون‌گذاری و اجرایی ناکارآمد؛
 ۳. حذف امتیازات برای حقوق قومی یا گروهی؛
 ۴. تقویت حقوق شهروندی؛
 ۵. شفاف ساختن روابط آتی بخش‌ها با دولت؛ (joseph, 2008: 1)
- با شروع اصلاحات فوق مذاکرات بر سر موافقت‌نامه ثبات و اتحاد (SAA) به‌طور رسمی در نوامبر ۲۰۰۵ آغاز شد. پایان مذاکرات به پیشرفت بوسنی و هرزگوین در اجرای اصلاحات سیاسی و کلیدی ذیل منوط گردید:

- تجدید ساختار پلیس؛
- همکاری گسترده با دیوان رسیدگی به جرایم جنایت کاران یوگسلاوی سابق (ICTY)؛
- تصویب و اجرای قانون رادیو و تلویزیون عمومی مورد نیاز؛
- توسعه چهارچوب قانونی و ظرفیت اجرایی، اداری مورد پذیرش برای اجرای مناسب موافقت‌نامه ثبات و اتحاد. (www.ec.europa.eu)

در طول سال ۲۰۰۶ اتحادیه اروپا بر لزوم تسریع اصلاحات در بسیاری از حوزه‌هایی که به‌طور آشکار بوسنی و هرزگوین از آن طفره رفته بود بخصوص در ارتباط با اجرای توافق اکتبر ۲۰۰۵ مبنی بر تجدید ساختار پلیس تأکید کرد. با تن دادن به این خواسته‌ها، بوسنی موفق گردید دور بعدی مذاکرات درباره موافقت‌نامه برقراری ثبات و اتحاد را در نوامبر ۲۰۰۶ در بروکسل برگزار کند. این سند در دسامبر ۲۰۰۷ مورد توافق طرفین قرار گرفت.

بدنبال پیشرفت در چهار عرصه کلیدی که کمیسیون و شورای اروپا در سال

۱. بخش مشورتی اتحادیه اروپا که دربرگیرنده اعضاء مستقل در حوزه قانون اساسی می‌باشد. این کمیسیون در سال ۱۹۹۰ پس از برچیده شدن دیوار برلین و بواسطه نیاز فوری برای مساعدت رساندن به اروپای شرقی و مرکزی بوجود آمد.

۲۰۰۵ به‌عنوان شرایط گفتگوهای توافق‌نامه ثبات و اتحاد مطرح کرده بود موافقت‌نامه در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۸ به امضای دوطرف رسید. (Bosnia and Herzegovina 2008 progress Report, 2008:4) توافق‌نامه موقت تجارت و مسائل مرتبط با تجارت در همان روز (۱۶ ژوئن) امضا و در ۱ جولای ۲۰۰۸ اجرایی شد. مجلس سنای بوسنی نیز روز دوشنبه ۲۳ اکتبر ۲۰۰۸ اجرای موافقت‌نامه پیش‌عضویت با اتحادیه اروپا که راه را برای عضویت در این اتحادیه هموار می‌سازد مورد تأیید قرار داد. (Bosnia and Herzegovina Parliaments Upper..., 2008:1) همچنین پارلمان اروپا در اکتبر ۲۰۰۸ به انعقاد موافقت‌نامه ثبات و مشارکت اتحادیه اروپا و بوسنی و هرزگوین با اکثریت آراء رای مثبت داد.

بدین ترتیب آینده عضویت بوسنی در اتحادیه از یکسو به تکمیل گام‌های لازم و پیشرفت در اصلاحات درخواست شده از سوی اتحادیه اروپا و از سوی دیگر به آینده اتحادیه اروپا یعنی سرنوشت معاهده لیسبون و پذیرش آن از سوی مجالس ملی دولت‌های اروپایی منوط گردیده است.

۴. اهمیت بوسنی برای اتحادیه اروپا

عضویت بوسنی و هرزگوین در اتحادیه اروپا صرفاً تصمیمی داخلی که توسط مسوولین این کشور اتخاذ شده باشد نیست بلکه سران اتحادیه اروپا نیز پیوسته بر این امر تأکید کرده‌اند. آنچه که این اتحادیه را نسبت به گسترش به منطقه بالکان و عضویت بوسنی و هرزگوین تشویق می‌سازد دلایل ذیل می‌باشد:

۱- ناتوانی اتحادیه اروپا در متوقف ساختن جنگ داخلی ۱۹۹۵-۱۹۹۲ یکی از محرک‌های اصلی پیگیری سیاست خارجی و دفاعی مشترک در اروپا بود. حال مسئله این است که اگر اروپا نتواند یک کشور نسبتاً کوچک در قلب اروپا را بصورت یکپارچه حفظ نماید و سیاست‌های آن را با خود هم راستا سازد چطور می‌تواند در عرصه جهانی ایفای نقش کند؟ نهادهای اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو ضرورتاً نیاز دارند تا قدرت قابل توجه خود در بوسنی را برای ممانعت از فروپاشی استفاده نمایند. در واقع براساس منطق سازه‌انگاری اگر اتحادیه اروپا بدنبال تقویت هویت خود به‌عنوان بازیگری جهانی است لازم است که عناصر تحلیل‌برنده این

هویت را تضعیف و یا به نوعی در هویت اتحادیه ادغام نماید.

۲- مقامات ارشد اتحادیه اروپا به خوبی می‌دانند که بوسنی یکی از ابزارهای مناسب روسیه برای با مشکل مواجه ساختن اتحادیه اروپا می‌باشد و همیشه مورد توجه سران این کشور بوده است. به گفته توماس والسیک «هر زمان دیپلمات‌های روسی با رهبران جمهوری صرب ملاقات کنند پس از آن ناسازگاری بیشتر می‌شود». این مسئله تا حدی بخاطر اقلیت صرب ساکن در بوسنی است که از حمایت قاطع روسیه برخوردار می‌باشند. (Valasek, 2007: 1) اتحادیه اروپا نیاز دارد تا صرب‌ها را از هویت پیشین خود و نزدیکی به روسیه جدا نموده و با هویت جدید هم راستا نماید. با ادغام بوسنی و هرزگوین در اتحادیه اروپا سطح تعاملات مستقیم این کشور با روسیه کاهش و در قالب اتحادیه اروپا امور سیاسی و اقتصادی خود را پیش خواهد برد. بدین ترتیب راه هرگونه سوء استفاده از فضای سیاسی داخلی بوسنی توسط روسیه بسته خواهد شد.

۳- پیشرفت مثبت در منطقه بالکان منوط به صلح و آرامش در کل منطقه است. بنابراین به کشورهای برجای مانده از یوگسلاوی سابق در بحث توسعه همچنان باید بعنوان یک مجموعه نگریست. در شرایطی که کرواسی به عضویت اتحادیه اروپا درآمده و صربستان نیز این رویا را در سر می‌پروراند کنار ماندن بوسنی و هرزگوین از این حلقه می‌تواند برای منطقه بحران آفرین باشد. (Judah, 2008:2) نباید فراموش نمود که بخش عظیمی از پیشرفت در بوسنی حاصل فشارهای بین‌المللی بوده است. براساس رویکرد سازه‌انگاری دو دسته از عوامل بر سیاست خارجی کشورها تاثیر گذار هستند. دسته اول عوامل مادی و دسته دوم عوامل معنایی یا هنجاری. نیاز به صلح و آرامش چه در داخل بوسنی و چه در منطقه بالکان از جمله این عوامل مادی است که برای هر دو طرف حائز اهمیت بوده و به عنوان محرکی برای حرکت به سوی همگرایی عمل می‌کند.

لیدا دمیتری پولا اشاره می‌کند: «هنگامیکه شکاف اجتماعی- اقتصادی بین بالکان غربی و مابقی اروپا به رشد خود ادامه داد و بحران جدیدی با پیامدهای گسترده‌تر ظاهر شد نیاز به اروپایی سازی این منطقه شدت گرفت. معلوم گشت که کمک بشردوستانه و کمک ضابطه مند به تنهایی نمی‌تواند مشکلات را حل کند.

بعلاوه حمایت محدود و متناقض برای اصلاحات و فقدان چشم انداز پذیرش در اتحادیه نمی‌تواند به حذف شرایط محدود کننده سیستمیک، گذاری و ساختاری کمک کند». (Joseph, 2008: 95) تحولات منطقه پس از ۱۱ سپتامبر نشان داده که کشورهای همچون بوسنی محیط مساعدی برای رشد جریان القاعده هستند. لذا رها نمودن بوسنی و هرزگوین از سوی اتحادیه اروپا به معنای فرو رفتن این کشور در مشکلات خود و خطراتی همچون گسترش افراط‌گرایی مذهبی در منطقه است. تضعیف هویت اسلامی مسلمانان این منطقه و دور نمودن آنها از جریان‌های افراطی می‌تواند به تقویت اتحادیه اروپا کمک نماید.

۴- عضویت بوسنی و هرزگوین در اتحادیه اروپا می‌تواند این کشور را به استانداردهای اروپایی اصلاح و رشد اقتصاد پایدار، دموکراسی بادوام، تقویت همکاری درون نهادهای آشتی قومی، مستحکم ساختن فرایند صلح و بازگشت پناهندگان و اشخاص آواره نزدیک کند. بدین شیوه اتحادیه اروپا بخشی از رسالت خویش در خصوص تعهد به گسترش لیبرالیسم و ارزش‌های آن در جهان را عملی ساخته و براساس رهیافت سازه انگاری به منافع مشترک با بوسنی و هرزگوین دست یافته است.

اتحادیه اروپا تمایل دارد چشم انداز الحاق را بعنوان اهرمی برای پیشبرد اصلاحات در پلکان ورودی خویش مورد استفاده قرار دهد. فشار اتحادیه اروپا بیشتر برای تغییر رژیم‌های کمونیست به مدرن، به کارکرد بهتر دموکراسی‌ها کمک کرده است. در بالکان غربی اتحادیه اروپا منافع آشکاری در تکرار موفقیت‌هایی که بدنبال سیاست گسترش اتحادیه ظاهر می‌گردد دارد. لرد آشدون^۱ نماینده ارشد اتحادیه اروپا در بوسنی و هرزگوین در مورد همکاری نزدیک‌تر اتحادیه اروپا با بالکان غربی اشاره می‌کند: «ما سرمایه‌ای در بالکان غربی داریم که به اندازه کافی به آن ارزش نمی‌نهییم و آن اسلام اروپایی است. اسلام آنگونه که ما در خیابانهای شهرمان و در برابر فرورد، یک یا دو نسل پیش‌تر می‌دیدیم نیست. اسلامی است که به ۴۰۰ سال قبل باز می‌گردد، به شکلی اصیل در ماهیتش... ما حد وسط مسیحیت قدیمی و اسلام مدرن را داریم. آنها سرمایه‌های ارزشمند کاملاً برابری برای ما

1. lord ashdown

هستند. در گفتگوی ژئوپولیتیکی وسیع‌تری که ما نیاز خواهیم داشت بعنوان یک پل عمل می‌کنند». (1:2005, the Further Enlargement of the Eu...)

۵-بازارهای پر جاذبه و دست نخورده بالکان بویژه بوسنی و هرزگوین انگیزه دیگری است که اعضاء این اتحادیه را به سمت خود جذب می‌کند. اتحادیه اروپا بزرگترین شریک تجاری بوسنی و هرزگوین است که مقصد 73 درصد صادرات و مبدأ بیش از نیمی از واردات این کشور است. در سال ۲۰۱۱ ارزش کل صادرات کالایی اروپا به بوسنی و هرزگوین ۳/۵ میلیارد یورو و ارزش واردات این اتحادیه از بوسنی و هرزگوین ۲/۴ میلیارد یورو بوده است و ماشین آلات، تجهیزات حمل و نقل، محصولات شیمیایی و کارخانه‌ای اقلام عمده مورد تجارت بوده‌اند. (مرادپور، ۱۳۹۱) سیاست پولی و تجاری مشترک امکان بالایی را برای توسعه همکاری بازرگانی در منطقه فراهم می‌سازد. این نگرانی وجود دارد که بدون چشم انداز نهایی عضویت کامل این خطر بوجود آید که اصلاحات داخلی در بالکان غربی کاهش پیدا کند؛ متوقف گردد و حتی پس رفت نماید. لرد آشدون نماینده ارشد سابق جامعه بین‌الملل در بوسنی و هرزگوین در این باره می‌گوید: «چشم انداز الحاق به اتحادیه اروپا و ناتو چسبی است که بالکان را در مسیر اصلاحات نگه می‌دارد. با کنار گذاشتن این چسب من نمی‌گویم که آنها فوراً به مسیر گذشته یعنی جنگ باز می‌گردند اما مطمئناً به عقب، به حوزه فروپاشی و گودال تاریک بی قانونی بر می‌گردند. (2:2005, the Further Enlargement of the Eu...)

اتحادیه اروپا برای رسیدن به جایگاه گذشته خود در عرصه تحولات جهانی و احیای هویت خویش، نیازمند تقویت بنیه مالی و تجاری است. این نیاز جز از طریق اعمال سیاست پولی و تجاری مشترک برآورده نخواهد شد. بنابراین براساس رهیافت سازه انگاری کشورهای همجونی بوسنی می‌بایست در راس اولویت‌های اتحادیه برای گسترش خود قرار گیرد. اروپا نمی‌تواند از بوسنی و هرزگوین که بخشی از هویت تاریخی این قاره است چشم پوشی نماید. دوام و بقای اتحادیه اروپا در عرصه قدرت بین‌المللی در احیای قدرت گذشته خود و حفظ چهارچوب‌های سرزمینی گذشته است. رها نمودن بوسنی به حال خود می‌تواند این کشور را به دامن روسیه یا امریکا افکند و این نکته‌ای است که مقامات اتحادیه به

هیچ وجه خواستار آن نیستند. مسئله تجارت و بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی بوسنی زمانی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند که به این نکته توجه نماییم که امروزه رقابت اصلی در اقتصاد جهانی بر سر بازار فروش است و نه تولید بیشتر. بخشی از مشکلات کنونی اتحادیه اروپا با چین بر سر از دست رفتن بازارهای داخلی این اتحادیه بواسطه حضور چین است. لذا برای سران اتحادیه اروپا تصور از دست دادن بازارهای بالکان بعنوان بخشی از ساختار مادی مورد تأکید نظریه سازه‌انگاری سخت و دشوار است.

۶- عضویت بوسنی و هرزگوین بر قدرت اتحادیه اروپا خواهد افزود. اضافه شدن دولت جدیدی به اتحادیه اروپا قدرت ژئوپولیتیکی اتحادیه در بسیاری از سطوح را افزایش خواهد بخشید و بر وسعت، جمعیت، اقتصاد، سرزمین و منابع طبیعی اش می‌افزاید. گفتمان اصلی امنیت در سطح اروپا این استدلال شده است که نباید اجازه داده شود گذشته اروپا آینده اش شود. در طول سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ سیاستمداران اروپایی مجموعه‌ای از سخنرانی‌های مهم در مورد آینده اروپا ایراد کردند محور این سخنرانی‌ها تلاش برای وحدت بیشتر اروپا بود. امروزه هسته هویت و امنیت اروپا برای رهبران آلمان تشکّل واحدی است که قادر به عمل نمودن باشد. از دید آنها درس بوسنی و کوزوو این است که زمان در اختیار اروپا است تا هویتش را بوسیله اثبات اینکه مراقب سرنوشت بشریت می‌باشد نشان دهد. (Buzan, 2003: 362) تونی بلر در سخنرانی نوامبر ۲۰۰۰ در زاگرب گفت: «۱۵ دولت عضو اتحادیه اروپا کشورهایی که در زمان حیات پدرم در حال جنگ با یکدیگر بودند اکنون با ۵۰ سال صلح و خوشبختی در پشت سر آن در یک اتحادیه با یکدیگر کار می‌کنند. اکنون چشم اندازی از همان صلح و خوشبختی به دولت‌های اروپای شرقی و مرکزی و حتی کشورهای بالکان ارائه می‌شود. (Blayr, 2000: 363)

معنای گفته تونی بلر زمانی محسوس خواهد بود که به یاد داشته باشیم یکی از گزاره‌های اصلی نظریه سازه‌انگاری این است که تصمیم‌گیری کنشگران در سیاست بین‌المللی بر این اساس است که جهان چگونه به نظرشان می‌رسد و نقش خود را در آن چگونه تلقی می‌کنند. اتحادیه اروپا زمانی مرکز ثقل قدرت در کل دنیا بود. تصمیم‌گیری‌های مهم دنیا در آنجا صورت می‌گرفت و بیشترین ثروت و قدرت

نظامی را در خود داشت اما این اتحادیه در حال حاضر با آن روزها فاصله زیادی دارد. در عوض چندین سال است که با بحران اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند و می‌کوشد تا اهداف خود را هم راستا با امریکا تعریف نماید تا از هرگونه تعارض جلوگیری گردد. این قاره به حدی از افول قدرت نزدیک گشته که مکالمات مقامات ارشد کشورهای عضو آن توسط امریکا شنود می‌گردد اما قادر به واکنش جدی در برابر آن نیست. این وضعیت به هیچ وجه مطلوب سران اروپا نمی‌باشد آنها جهانی را تصور می‌کنند که یکبار دیگر مرکز قدرت از امریکا به اروپا بازگردد و آنان نقش پیشرو را بازی کنند. برای تحقق این واقعیت بر طبق رویکرد سازه‌انگاری پیوستن بوسنی و هرزگوین و اعضاء جدید به این اتحادیه امری ضروری می‌باشد.

۷- اگرچه خشونت در بوسنی در اروپای خونبار، منحصر به فرد نیست و در سایر مناطق همچون کوزوو نیز وجود داشته است؛ اما باید پذیرفت به اندازه‌ای که کشمکش‌ها در بوسنی منجرکننده بوده در هیچ کجای دیگر نبوده است. در کل، اروپا قاره خونباری است و ملت‌های اروپایی اندکی بدون میراث خشن وجود دارد. گسترش اتحادیه اروپا و ورود بوسنی به آن می‌تواند امید به کاهش این خشونت‌ها را تقویت نماید. بخشی از این خشونت‌ها به قرائت‌های افراطی از دین و هنجارهایی بازمی‌گردد که در داخل برخی از این کشورها تولید می‌گردد. زمانی که جنگ داخلی در بوسنی در جریان بود بسیاری از گروه‌های افراطی از کشورهای هم‌چون عربستان، پاکستان و افغانستان قدم به خاک بوسنی نهادند و وارد جهاد با صرب‌ها شدند. با پایان جنگ داخلی تعدادی از این افراد در بوسنی و هرزگوین اقامت گزیدند و به نشر افکار و اندیشه‌های خود پرداختند. برای اتحادیه اروپا وجود چنین مراکز فکری به هیچ وجه قابل تحمل نیست. لذا ادغام این کشور در اتحادیه اروپا فرصتی را فراهم ساخت تا متاثر از منطق ساخت یابی در نظریه سازه‌انگاری عناصر معنایی تولیدکننده خشونت در این جامعه تضعیف و هویت گروه‌های جمعیتی این کشور به هویتی جدید تغییر یابد.

در برابر دیدگاه‌های مثبت فوق برخی صاحب نظران و مقامات اروپایی وجود دارند که چندان به عضویت بوسنی در اتحادیه اروپا و مفید واقع شدن آن امیدوار نیستند. نظرات این گروه از افراد را اینگونه می‌توان ذکر کرد:

۱- بوسنی و هرزگوین بی ثبات نقطه ضعف اتحادیه اروپا خواهد بود. احتمال زیاد بوسنی و هرزگوین پس از الحاق به اتحادیه اروپا تکه تکه خواهد شد. این امر هزینه مالی بالایی برای دولت‌های اروپایی خواهد داشت و یکپارچگی و اعتبار نهادی اش را دچار تنش می‌سازد.

۲- عضویت بوسنی به همگرایی و تصمیم‌گیری‌های اتحادیه اروپا آسیب می‌رساند. با گسترش اتحادیه اروپا به بالکان و عضویت بوسنی و هرزگوین در آن فرایند تصمیم‌گیری دشوارتر خواهد شد. تجربه نشان داده است که مسیر افزایش تعداد اعضا از ۱۰ به ۲۵ و سپس به ۲۷ به دشوار شدن اتخاذ تصمیم‌گیری‌ها منجر شده است. هرگونه گسترش بیشتر این فرایند را پیچیده و دشوارتر می‌سازد. تایمز آنلاین در تحلیلی درباره این مشکل در سال ۲۰۰۲ نوشت: «اتحادیه اروپا نمی‌تواند وضعیتی داشته باشد که در آن برای مثال استونی قادر شود جلوی تصمیم گرفته شده توسط ۲۴ کشور دیگر را بگیرد. موضوع پیچیده چگونگی تقسیم کردن ۸۰ میلیارد یورو بودجه کمکی (۵۰ میلیارد دلار) اتحادیه اروپا برای کشاورزان و مناطق فقیر نشین هنوز حل نشده است و این بی شک هنگامیکه اعضا موجود برای حفظ سهم خودشان از بودجه با یکدیگر بجنگند باعث مشکلاتی خواهد شد». (Eu Expansion –the Pros ..., 2002: 1)

۳- سارکوزی رئیس‌جمهور سابق فرانسه عضویت بوسنی در اتحادیه اروپا بدون امضاء پیمان لیسبون را کاری غیر منطقی می‌دانست. پیمان لیسبون که جایگزین قانون اساسی اتحادیه اروپا گردید تلاش نمود تا با تلطیف‌هایی در قانون اساسی همچون حذف بحث قانون اساسی واحد، ایالات متحده اروپا، وزیر امور خارجه اروپایی، سرود و پرچم ملی از سند، روند تصویب آن که قبلاً با رای منفی فرانسه و هلند به مشکل برخورد کرده بود را بهبود بخشد. برای این کار حتی دولت‌های اروپایی با تغییر پروسه تصویب (که باید از مجرای موافقت شهروندان عبور می‌کرد) و موکول کردن آن به پارلمان‌های ملی این مانع را از سر راه برداشتند. اما در نهایت رای منفی نزدیک به ۵۷ درصدی مردم ایرلند در ژوئن ۲۰۰۸ یکبار دیگر روند حرکت قطار اتحادیه را متوقف ساخت. چرا که ایرلندی‌ها آن را مخالف قانون اساسی خود و سیاست‌های مالیاتی، سقط جنین و بیطرفی نظامی می‌دانستند.

ترس سارکوزی آن بود که رخدادهایی مشابه ایرلند در بوسنی و هرزگوین موجب گردد اتحادیه اروپا برای مدت‌ها از روند حرکتی خود خارج گردد. او می‌گوید: «بدون پیمان لیسبون هیچ گسترش بخشیدنی وجود نخواهد داشت. شما نمی‌توانید به اصلاحات نه بگویید و به گسترش اتحادیه اروپا آری». (Sarkozy, 2008: 1)

۵-۱. دلایل بوسنی و هرزگوین برای الحاق به اتحادیه اروپا

با وجود اختلافات داخلی در بوسنی و هرزگوین بر سر نحوه انجام اصلاحات مورد تقاضای اتحادیه اروپا برای عضویت در این اتحادیه، اجماعی تقریباً فراگیر میان جناح‌های سیاسی این کشور در خصوص الحاق وجود دارد. این مسئله بیش از هر چیز به تصور این گروه‌ها از پیوستن به اتحادیه اروپا باز می‌گردد. بطور خلاصه آنچه که ذهنیت شهروندان و مسوولین بوسنیایی از پیوستن به اتحادیه اروپا را شکل می‌دهد می‌توان اینگونه برشمرد:

۵-۱. فائق آمدن بر مشکلات سیاسی - امنیتی کشور از طریق همکاری نزدیک با اتحادیه اروپا

از آنجا که ترکیب جمعیتی، مذهبی و قومی بوسنی و هرزگوین رسیدن به توافق سیاسی را دشوار ساخته است. بخشی از نخبگان سیاسی این کشور راه حل فائق آمدن بر مشکلات را فشار و عامل خارجی می‌دانند. نگاهی به پراکندگی جمعیت کروات‌ها، مسلمانان بوسنی و صرب‌ها که در نقشه زیر نشان داده شده است گویای این نکته است که مردم بوسنی نیاز به چسبی دارند تا آنان را فارغ از مذهب و قومیت به یکدیگر پیوند دهد و این چسب هویت تازه‌ای است که بواسطه پیوستن به اتحادیه اروپا می‌توان شکل بگیرد. آنچه که اکنون در بوسنی وجود دارد ظاهری از هویت ملی با خود دارد اما در باطن هر یک از گروه‌های قومی و مذهبی دل در گرو هویتی خارج از مرزهای این کشور دارند. لذا همانطوری که سازه‌انگاران اشاره می‌کنند هویت‌ها چندبعدی و چندوجهی می‌باشند و به اقتضای شرایط و موقعیت‌های متفاوت یک وجه آن برجسته می‌شود (کلارک، ۱۳۸۲: ۱۱۲) لازم است تا وجه جدیدی از هویت در این کشور که متأثر از عضویت در اتحادیه

است برجسته شود. طبق این برداشت آدمی مقهور هویت ازلی خود نیست، بلکه می‌تواند به اقتضای تشخیص و مصلحت خویش نسبت به تثبیت، تصحیح و تغییر هویت خود اقدام کند. در این تعبیر، هویت ابزار کار و موضوع انتخاب آدمی است و به فراخور استفاده‌ای که دارد، قابل دخل و تصرف است (قاسمی، ۱۳۸۵: ۷۸-۷۵).



Source: Ante cuvalo, Historical Dictionary of Bosnia and Herzegovina, Second Edition, (United States of America: Scarecrow Press, 2007), Preface.

به طور کلی، هر بازیگری به عنوان عامل، هویت، فهم و انتظار ویژه‌ای از خود دارد و مناسبات خود با دیگران را بر اساس همان فهم و نقش شکل می‌بخشد. بنابراین دیگری در شکل‌گیری هویت یک بازیگر (خود)، نقش مهمی دارد زیرا بخش اعظم رفتار ما (خود) بر اساس چشم‌انداز، انتظار، برداشت و شناسایی دیگران شکل می‌گیرد (Risse, 2003: 101). بر اساس برداشتی که ما از هویت خود داریم، تفسیر یا علامتی به بازیگران دیگر می‌فرستیم و دیگری این تفسیر و علامت‌ها را بر اساس

برداشت خودش تفسیر می‌کند و بر اساس همین تفسیر، علامتی را ارسال می‌کند و در اثر همین تعامل است که هویت خود و دیگری به عنوان دوست و دشمن شکل می‌گیرد. با قرار گرفتن همه گروه‌های قومی و مذهبی ذیل هویت جدید در بوسنی الگوهای قدیمی دوست و دشمن تغییر و همه آنها وجه مشترکی پیدا خواهند کرد.

۲-۵. تبدیل شدن به عامل امنیتی مثبتی در منطقه بجای یک وزنه تعادل در رقابت قدرت‌های منطقه ای

در طول تاریخ دو سده اخیر بوسنی بیش از آنکه مستقلاً در عرصه بین‌المللی حضور داشته باشد نقش تعادل بخش در رقابت‌های شرق و غرب را برعهده داشته است. نقشی که نتیجه آن از دست رفتن منافع ملی کشور بوده است. همین مسئله باعث گردیده تا کمتر نامی از این کشور در عرصه بین‌المللی مطرح باشد و هر بار نیز که صحبتی از آن به میان می‌آید موضوع بر سر مصالحه دو کشور دیگر بر سر بوسنی باشد. این مسئله از قرن نوزدهم و رقابت‌های اتریش-عثمانی شروع و تا قرن بیستم امریکا - شوروی تداوم پیدا کرد. بنابراین بخشی از جمعیت این کشور الحاق به اتحادیه اروپا را راه نجاتی از این وضعیت می‌دانند. درحقیقت همانگونه که نظریه سازه انگاری اشاره می‌کند از طریق این الحاق، هویت بوسنی بخشی از هویت فراگیر اتحادیه اروپا خواهد شد و منافع مشترکی با اعضاء اتحادیه خواهد داشت. مردم بوسنی امیدوار هستند تا در سایه این هویت جدید از مداخلات خارجی در این کشور کاسته و فرصتی برای حضور بین‌المللی آن فراهم شود.

۳-۵. محافظت در برابر جرایم سازمان یافته، فساد، قاچاق مواد مخدر و مهاجرت غیر قانونی و گروه‌های تبهکار

سیاست‌های مبهم اقتصادی، عدم اعمال یکپارچه نظم و کنترل قدرت موجب گشته تا فضا برای انواع جرایم در بوسنی و هرزگوین فراهم گردد و این کشور به بهشت گمشده‌ای برای گروه‌های تبهکار تبدیل گردد. ماحصل این شرایط، سخت‌تر شدن زندگی برای مردم عادی بوده است. تصور عمومی بر این است که دولت بوسنی به تنهایی اراده لازم برای دست زدن به اصلاحات لازم اقتصادی را ندارد و نیاز به محرک بیرونی برای هدایت دولت به این سمت امری ضروری است. یکی از

امیدواری‌های مردم بوسنی و هرزگوین این است که با فشارهای اتحادیه اروپا و درخواست انجام اصلاحات در ارتش و بخش اقتصاد سرچشمه فساد و عوامل آن از بین رود. عضویت در اتحادیه اروپا و تبدیل شدن به بخشی از هویت فراگیرتر کمک و همراهی اروپا در پایان دادن به وضعیت فوق را به همراه خواهد داشت که امری مطلوب ارزیابی می‌گردد.

۴-۵. تجربه کردن دموکراسی مشابه سایر دولت‌های اروپایی

بوسنی و هرزگوین کشوری است که سال‌ها مداخله خارجی از یکسو و فضای بسته سیاسی در دوران حاکمیت کمونیسم بر یوگسلاوی را تجربه کرده است. این مسئله موجب گشته تا توسعه سیاسی و ملزومات آن در این کشور امری بیگانه باشد. در شرایطی که جهانی شدن سطح دانش و آگاهی سیاسی شهروندان در جوامع مختلف را بالاتر برده و انتظارات از مسوولین برای تحقق دموکراسی در کشور را بیشتر ساخته است. گام‌های برداشته شده در بوسنی بسیار ناچیز و اندک بوده است. به همین خاطر برای بسیاری از شهروندان این کشور پیوستن به اتحادیه اروپا موجب خواهد شد تا مسیر کنونی اصلاحات سیاسی، برقراری دموکراسی و تقویت ثبات تداوم پیدا کند. (the Eu Must Keep..., 2006: 2) چراکه همه کشورهای اروپایی از داشتن همسایگانی که دموکراسی‌های با ثبات و اقتصاد مبتنی بر بازار موفقی دارند سود می‌برند. (EU Enlargement, 2008:1) اعمال هنجارهای بین‌المللی در زمینه حقوق بشر بر بوسنی بخشی از ساختارهای معنایی خواهد بود که در آینده سیاست داخلی و خارجی این کشور را متاثر خواهد ساخت. اما نکته مهم این است که طی کردن این مسیر نیاز به زمان و آمادگی لازم دارد و همانگونه که ولفگانگ پیتریچ اشاره می‌کند در صورتیکه سرعت الحاق به اتحادیه اروپا سریع باشد ممکن است آثار هولناکی به همراه آورد. به گفته وی «اتحادیه اروپا نیاز به یک رویکرد منطقه‌ای جامع دارد که بر گام‌های باقی مانده‌ای که یک کشور را به سمت عضویت هدایت می‌کند تمرکز نماید». (Petritsch, 2008: 1)

۵-۵. کسب نفوذ سیاسی در سطح منطقه و جهان

برخی صاحب نظران تحلیل می‌کنند عضویت در اتحادیه اروپا به بوسنی نفوذ

سیاسی جهانی می‌بخشد و نشان می‌دهد این کشور از زمان حاکمیت کمونیست بر آن چه مقدار پیشرفت کرده و تا کجا پیش رفته است. (Watson, 2002: 1) از دید این تحلیل گران نشستن بر سر میز سران ۲۷ کشور اروپایی به بوسنی و سایر دولت‌های طالب عضویت مسئولیت سیاسی می‌بخشد و آنان را در ردیف دموکراسی‌های غربی قرار می‌دهد و به آنها در سطح جهانی نفوذ سیاسی می‌بخشد چیزی که پیش از این به تنهایی قادر به کسب آن نبودند. (Rory, 2002:4)

این جایگاه آنان را تشویق خواهد ساخت تا به برقراری دموکراسی و پیگیری حکمرانی خوب در کشور خود توجه بیشتری نمایند. همانگونه که اکنون با داشتن اختلافات سیاسی و مشاجرات متعدد به سیاستمداران کشور خود فشار می‌آورند تا بر سر حداقل ترتیبات قانون اساسی دربردارنده تقاضای عضویت در اتحادیه اروپا به توافق برسند. (Bosnia Must Fix..., 2008:1) نظر سنجی‌ها در بوسنی و هرزگوین گویای آن است که در حال حاضر بیش از ۷۰ درصد مردم بوسنی از عضویت کشورشان در اتحادیه اروپا حمایت می‌کنند که پتانسیل خوبی برای پیگیری اصلاحات و روند ثبات سیاسی می‌باشد. اما این تمامی داستان نیست شکاکان و مخالفان نظرات متفاوتی می‌دهند. محور استدلال‌های این گروه عمدتاً حول دو محور می‌باشد. نخست دشواری‌های طی نمودن مسیر الحاق به اتحادیه اروپا و مشکلاتی که در این زمینه در داخل این کشور وجود دارد و دوم محدود شدن آزادی‌های دموکراتیک بوسنی و عدم شفافیت نهادهای اتحادیه اروپا.

خاویر سولانا با تأکید بر اینکه مشکلات سیاسی، پذیرش بوسنی در اتحادیه اروپا را بخطر می‌اندازد بیان می‌کند که «بله درست است. وضعیت سیاسی روبه‌وخامت است و ما دوباره درباره وضعیت بوسنی در بالاترین سطح نگرانی هستیم. دیدگاه‌های رهبران اصلی به اختلاف عقیده تداوم می‌بخشد و بنظر می‌رسد رسیدن به توافق بر سر موضوعات کلیدی بشدت دشوار است.» (Eu Concerned ..., 2007:1)

(about

۵-۶. رفع مشکلات اقتصادی با بهره مند شدن از کمک‌های سخاوتمندانه اتحادیه

اروپا

عضویت در سازمان تجارت جهانی، اعمال کردن استانداردهای تجاری اتحادیه اروپا، پذیرش پول واحد اروپایی، حذف تعرفه‌های گمرکی، خصوصی سازی، کاهش دخالت دولت در اقتصاد، کمک‌های مالی اتحادیه اروپا و شکل‌گیری نهادهای اقتصادی می‌تواند زمینه کاهش تورم، نرخ بیکاری و بدهی خارجی در این کشور را فراهم سازد. با این اصلاحات سایر دولت‌های اروپایی انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعت، کشاورزی و زیرساخت‌های بوسنی پیدا خواهند کرد. دیگر اینکه این کشور به سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه اقتصاد ملی بسیار محتاج می‌باشد با عضویت در اتحادیه اروپا بوسنی و هرزگوین بعنوان یک کشور امن و دموکراتیک و بنابراین حوزه‌ای آرام و پایدار برای سرمایه‌گذاری پذیرفته خواهد شد. (Rory, 2002:3) البته این نیمه پر لیوان است که مقامات بوسنی و بروکسل به آن توجه دارند مارکوس سالزمن درباره نیمه خالی لیوان اشاره می‌کند: «برخلاف چیزی که بروکسل گفت افزوده شدن کشورهای اروپای شرقی در ماه می وضعیت مردم در حال کار در این کشورها را بهبود نخواهد بخشید. همه شاخص‌ها اشاره به اختلاف دستمزدها بین شرق و غرب دارد که حداقل تا ۱۰ سال دیگر ادامه پیدا خواهد یافت». (Salzmann, 2004:2)

همچنین اجرای قوانین اتحادیه اروپا در حوزه کشاورزی و محیط زیست هزینه‌های بسیار قابل توجهی را بر کشورهای ملحق شده به اتحادیه تحمیل می‌نماید. سوبسیدهای کشاورزی و قوانین سخت‌گیرانه محیط زیست برای کشوری همچون بوسنی و هرزگوین که صادرکننده چوب می‌باشد دشواری‌های تازه‌ای می‌آفریند. (Tupy, 2004: 1) به گفته واتسون «اگرچه کشورهای هم‌چون بوسنی و هرزگوین کمک اتحادیه اروپا برای تداوم حرکت‌های اصلاحات اقتصادی را در طول فرایند عضویت بدست خواهند آورد اما مجبور خواهند شد از روز اول در تأمین بودجه اتحادیه اروپا مشارکت کنند و ممکن است حتی در کوتاه مدت بیش از آنچه بدست می‌آورند بپردازند». (Watson, 2002:3)

۵-۷. دسترسی به فضاهای آموزشی، امکانات رفاهی و تسهیل رفت و آمد به سایر

کشورهای اروپایی

علی‌رغم این دستاورد مهم و موافقت مردمی با آن، برخی بر این عقیده‌اند که الحاق به اتحادیه اروپا هویت تازه شکل‌گرفته بوسنی را به خطر خواهد انداخت. (2:2002 Rozy, مردم بوسنی و هرزگوین هویت خود را براساس چهارچوب فرهنگی، تاریخی و مذهبی مشخصی تعریف و پیگیری می‌کنند. این هویت عمدتاً در تضاد با دشمن منطقه‌ای خود تعریف می‌شود و پویایی خود را نیز از همین تضاد و تخاصم که نهادینه شده و سابقه طولانی پیدا کرده است اخذ می‌کند. غربی‌ها نیز به این حقیقت رسیده‌اند که تا زمانیکه کینه، نفرت و دشمنی قومی در منطقه حاکم است، نمی‌توانند، طرح‌های ملت‌سازی خود را محقق سازند و به همین دلیل اولویت استراتژی خود را بر مبنای تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام در کنار یکدیگر قرار داده‌اند. آنها معتقدند در صورت تنش‌زدایی و موفقیت در برطرف کردن خصومت و کینه اقوام، موتور محرکه هویتی مستقل مسلمانان نیز از کار خواهد افتاد و آنان مهبای پذیرش هویت طراحی شده می‌گردند. (امینیان، ۱۳۸۵: ۲۴۰)

در کل با وجود مشکلات و پیامدهای ناگوار رهبران بوسنی و هرزگوین پیوستن به اتحادیه اروپا را غیر قابل اجتناب می‌دانند. حارث سیلایچیچ، وزیر امور خارجه سابق بوسنی و رئیس جمهور این کشور، با بیان اینکه پیوستن به اتحادیه اروپا حق این ملت است می‌گوید: «بوسنی مدتی پیش با اتحادیه اروپا توافقنامه همکاری به امضا رساند. ما چاره‌ی دیگری نداریم. بر اساس توافقنامه مذکور ما در مسیر هماهنگی بیشتر با مقررات اتحادیه پیش می‌رویم. مردم بوسنی نتایج این اقدام را در بسیاری از امور شاهد خواهند بود. مسیر ورود به اتحادیه، پیشرفت در ابعاد گوناگون سیاسی و اقتصادی را تضمین می‌کند. اتحادیه از قوانینی برخوردار است که تبعیت از آنها برای بوسنی سودمند خواهد بود». (صادقی، ۱۳۸۸: ۱)

اما نکته مهم این است که تحقق آنچه در فوق آمد فرایندی طولانی مدت را می‌طلبد و خالی از پیامد منفی نیز نیست. شهروندان بوسنیایی که در جریان جنگ‌های داخلی با حمایت‌های مالی، سیاسی و فرهنگی ایران توانستند در مقابل صرب‌ها بایستند و هویت دینی خود را احیا نمایند اینک با پیوستن به اتحادیه اروپا

می‌بایست یا از آن چشم پوشی کنند یا دست به تعدیلش زنند. یکی از نگرانی‌های جدی اروپا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر گسترش تعداد مسلمانان در این قاره و روی آوردن شهروندان آنها به اسلام است. برای اعضای این اتحادیه به هیچ وجه قابل پذیرش نیست دولتی را به عضویت خود در آورند که روابط خود را چه در طول جنگ داخلی کشورش و چه پس از آن با ایران حفظ کرده است. ایران نخستین دولتی بود که ۱۰ روز پس از پایان جنگ خونین قومی در بوسنی سفارت جدید و بزرگ خود را بازگشایی کرد. و از آن زمان تاکنون بر برنامه‌های مختلف فرهنگی جهت تقویت هویت اسلامی مسلمانان بوسنی تمرکز کرده است. برگزاری نمایشگاه و کلاس‌های قرآن، اعزام دانشجویان به ایران، چاپ مجله و انتشار کتاب در زمینه‌های فرهنگ، عرفان، فلسفه و معارف اسلامی، برگزاری همایش‌های علمی، فلسفی و سیاسی، برپایی نمایشگاه، پخش برنامه از طریق شبکه جهانی سحر و راه اندازی نهادهای فرهنگی همچون کالج فارسی بوسنیایی، انستیتو ملاصدرا، حسینیه شیعیان، و انستیتو علمی- پژوهشی ابن سینابخشی از اقداماتی است که از سوی ایران در بوسنی دنبال شده و نگرانی‌هایی را از سوی مقامات اروپایی به همراه داشته است. (امینیان، ۱۳۸۵: ۲۲۳) این نگرانی‌ها با تقدیرهایی که از سوی مقامات بوسنی نسبت به ایران صورت گرفته دوچندان نیز شده است. نخست‌وزیر بوسنی و هرزگوین، حسن موراتویچ (Hasan Moratovic) طی سفری که در سال ۱۹۹۶ به تهران داشت به صراحت بیان نمود «دولت ایران در زمانی که هویت اسلامی بوسنی به خطر افتاده بود به این کشور کمک نمود و این کشور هرگز اهمیت چنین کمکی را فراموش نخواهد کرد» (reuter newspaper, 3 may 1996) روزنامه رویترز این نگرانی غرب از تقویت روابط ایران و بوسنی را از زبان یک مقام امنیتی غرب اینگونه انعکاس می‌دهد «آنچه ما درباره آن نگران هستیم سطح تمرین‌های نظامی نیست که توسط بوسنیایی‌ها در ایران حاصل خواهد شد بلکه تلقین ایدئولوژی اسلامی است که بخشی از برنامه‌های آموزشی را شکل می‌دهد» (reuter newspaper, 3 may 1996) اگرچه روابط ایران در طول سال‌های اخیر با بوسنی و هرزگوین خیلی گرم نبوده اما غرب نسبت به تداوم روابط عادی دو کشور نیز نگران است. آنچه که این نگرانی را تشدید می‌سازد این است که ایران لیستی از اتهامات مختلف را با خود حمل می‌کند

و با عربستان سعودی و مصر در خصوص حضور در بالکان و پیشبرد الگوی مد نظر خود رقابت می‌نماید. کشورهای عربستان و مصر اگرچه مسلمان نشین هستند اما تضاد و دشمنی شدیدی با شیعیان دارند. لذا محور فعالیت‌های خویش را بر ممانعت از گسترش شیعه در سایر کشورهای مسلمان قرار داده‌اند. این کشورها در طول جنگ بوسنی محور فعالیت‌های خود را بر گسترش تفکر وهابیت و اعزام مبلغین مذهبی و مجاهدین عرب متمرکز کردند. مجاهدان عرب از اوایل سال ۱۹۹۴ وارد بوسنی و هرزگوین شدند. آنها در همان ابتدا اعلامیه‌ای منتشر کردند و در آن جهان اسلام را به کمک طلبیدند. نکته جالب توجه در این اعلامیه این بود که به رهبران و مسلمانان هشدار داده شده بود که اگر به فریاد ملت بوسنی نرسد به زودی تمام آنها مذهب شیعه را خواهند پذیرفت. آنها خطر گرایش مردم بوسنی به ایران را بیشتر از خطر جنگ و نسل کشی اعلام نمودند. (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۵۴)

عرب‌ها با اشاعه تفکر وهابی عمده تلاش خود را بر تبلیغ علیه شیعه متمرکز کردند و بوسنیایی‌هایی که به آنها می‌پیوستند می‌بایست آموزش ۴۵ روزه عقیدتی را در اردوی آنها می‌گذراندند. عمده بحث آموزش عقیدتی ترویج عقاید ضد شیعه بود. بر اساس آمار، سازمان‌های کمک رسانی عرب با محوریت کمیته عالی سعودی، سالانه یک میلیون مارک هزینه فعالیت‌های تبلیغاتی داشتند که عمده آن برای تبلیغ علیه شیعه صرف می‌شد. سال ۱۹۹۶ قبل از طرح دیتون تعداد مجاهدان عرب به حدود هزار نفر می‌رسید که تعدادی از آنها نیز در بوسنی ازدواج کردند. (همان)

درست زمانی که حادثه ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد نگرانی‌ها نسبت به تروریسم و حضور گروه‌های جهادی در بوسنی نیز شدت گرفت. بخش از این گروه‌ها که در دهه ۹۰ وارد بوسنی گردیدند نه تنها خاک این کشور را ترک نکردند بلکه بر تقویت برنامه‌های افراطی مذهبی خود نیز افزوده‌اند. موج ترورها پس از صلح دیتون که بدست گروه‌های جهادی صورت گرفت نمونه بارز این امر است. (Kohlmann, 2004: 145) از نظر اتحادیه اروپا حفظ هویت اسلامی در بوسنی چه از نوع الگوی ایرانی آن که با مقاومت، ایثار و شهادت طلبی توأم است و چه از نوع عربستانی آن که با افراط‌گرایی، خشونت و تکفیر همراه است سم مهلکی است که اروپا را از پا در خواهد آورد. بنابراین بوسنی زمانی شرایط لازم برای عضویت را

خواهد داشت که از هر دو الگوی فوق دست بکشد.

گذشته از مسئله هویت اسلامی بوسنی، همچنین الحاق به اتحادیه اروپا و پذیرش یورو حاکمیت و انعطاف پذیری مالی بوسنیایی‌ها را محدود خواهد ساخت. سارایوو مجبور خواهد شد تا کلیه مبادلات مالی و تجاری خود را با بانک مرکزی اتحادیه هماهنگ سازد و از کلیه دستورالعمل‌های مالی این اتحادیه که بخشی از ساختارهای معنایی آتی برای سارایوو را شکل خواهند داد پیروی نماید. این درحالی است که تجربه‌های پیش رو چندان خوشایند نیست و بخشی از مردم ایتالیا، یونان و پرتغال که در گذشته به عضویت اتحادیه اروپا درآمده‌اند از اجرای طرح‌هایی همچون طرح ریاضت اقتصادی که توسط اتحادیه بر مردم این کشورها تحمیل می‌شود بشدت ابراز گلایه می‌کنند. این مسئله موجب گشته تا گاه تردیدها درباره پیوستن یا نپیوستن به اتحادیه اروپا شدت بیشتری پیدا کنند.

علاوه بر این پیوستن به اقتصاد اتحادیه اروپا می‌تواند اولاً به بهای تعطیلی برخی صنایع و بیکار شدن بخشی از جمعیت این کشور بدلیل ناتوانی در رقابت با سایر رقبای قویتر تمام شود. ثانیاً هزینه‌های بسیار قابل توجهی را بواسطه اجرای قوانین اتحادیه اروپا در حوزه کشاورزی و محیط زیست بر این کشور تحمیل نماید. همچنین بوسنیایی‌ها مجبور خواهند شد از روز اول در تأمین بودجه اتحادیه اروپا مشارکت کنند و ممکن است حتی در کوتاه مدت بیش از آنچه بدست آورند بپردازند.

در هر صورت ایده پیوستن به اتحادیه اروپا نه تنها با جدیت از سوی بازیگران بوسنیایی دنبال می‌گردد بلکه آنها همزمان خواستار عضویت در ناتو نیز هستند و در این راه می‌کوشند. برای امریکا بعنوان مهم‌ترین عضو ناتو با وجود اینکه تا پیش از این بوسنی اهمیت چندانی نداشت و عموماً مورد اغفال واقع می‌شد اما در دوران جدید بعنوان کلید موفقیت در بالکان نگریده می‌شود. باراک اوباما برخلاف سلف پیشین خود قصد دارد تا به این کشور توجه بیشتری نماید و آن را در برنامه‌های ناتو مشارکت بیشتری دهد. (وفایی، ۱۳۸۸) او با فرستادن جو بایدن معاون به منطقه بالکان و کشورهای کوزوو، صربستان و بخصوص بوسنی، که اولین سفر یک مقام بلند پایه امریکایی از سال ۱۹۹۶ (زمان سفر کلinton به سارایوو) به حساب می‌آید

نشان داد قصد دارد به سمت حل یک مشکل پیچیده و جدی در بالکان برود و برای همیشه به جنگ قومی در این منطقه پایان دهد.

نتیجه گیری

ایده پیوستن به اتحادیه اروپا برای بسیاری از دولت‌های بالکان و از جمله بوسنی و هرزگوین هنوز ایده جذابی است. پیوستن به یک اتحادیه قوی اگرچه براساس منطق واقع‌گرایی می‌تواند تهدیدات را کاهش داده و بر وزن و جایگاه دولت بیفزاید اما زمینه کاهش حاکمیت را نیز فراهم خواهد ساخت. اگرچه بوسنی و هرزگوین می‌کوشد تا با متعهد ساختن اتحادیه اروپا به مسئولیت پذیری بیشتر از نقش روسیه در کشور خود و در حمایت از صرب‌ها بکاهد اما این امر ناخواسته پای امریکا بعنوان قوی‌ترین عضو ناتو را به این کشور باز خواهد کرد و رقابت‌های جدیدی را شکل خواهد داد. با توجه به اینکه شهروندان برخی از اعضای قدیمی اتحادیه اروپا همچون فرانسه، ایتالیا و اسپانیا اعتراض‌هایی نسبت به پیوستن خود به اتحادیه دارند تا مل بیشتر بوسنی در اینخصوص امری منطقی بنماید. این کشور هنوز از بسیاری از زیرساخت‌های لازم برای پیوستن به اتحادیه اروپا برخوردار نیست و عضویت آن در اتحادیه اروپا علاوه بر اینکه بر مشکلات اتحادیه خواهد افزود بخش‌های کشاورزی، صنعت و مالی آن را با چالش‌های جدی روبرو خواهد ساخت. علاوه بر این سایر اعضای اتحادیه اروپا به راحتی عضویت یک دولت مسلمانان در اتحادیه را تحمل نخواهند کرد و انجام این کار را به تغییراتی در هویت شهروندان بوسنی منوط خواهند نمود.

کتابنامه

کتاب و مقالات (فارسی)

آسایش زارچی، محمد جواد، آفارضی درمنی، رضا، (۱۳۷۶) *مروری بر تاریخ مسلمانان در یوگسلاوی و جنگ در بوسنی و هرزگوین*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

آقایی

امینیان، بهادر، (۱۳۸۵) *مسلمانان، هویت و جامعه بین‌الملل: بوسنی و هرزگوین*. تهران: اندیشه سازان نور.

اکبری، حسین، (۱۳۸۴) *بوسنی در گذر زمان*. تهران: اندیشه سازان نور.

بگوویچ، علی عزت (۱۳۸۴) *خاطرات علی عزت بگوویچ*. تهران: اندیشه سازان نور.

قهرمانپور، رحمان، (۱۳۸۳) «تکوین گرایی: از سیاست بین‌الملل تا سیاست خارجی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هفتم، شماره ۲۴، صص ۳۱۸-۲۹۹.

قاسمی، مصطفی و بصیری، محمد علی، (۱۳۸۵)، «مواضع اتحادیه اروپا در پرونده هسته‌ای ایران»، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۲۲۶-۲۲۵، صص ۱۱۹-۱۰۴.

کریمی، جهانگیر، (۱۳۸۳) «سیاست خارجی از منظر تکوین‌گرایی اجتماعی»، *مجله راهبرد*، شماره ۳۱، صص ۱۷۴-۱۶۱.

کلارک، یان، (۱۳۸۲) *جهانی‌شدن و نظریه روابط بین‌الملل*. ترجمه فرزاد تقی‌لو، تهران: وزارت خارجه، مرکز چاپ و انتشارات

رحمانی، علی، قدس، محمد (۱۳۷۷) *بوسنی و هرزگوین: چشم‌انداز آینده*. تهران: وزارت امور خارجه.

مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۳) «گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۳، صص ۲۰۱-۱۶۹.

متقی، ابراهیم، (۱۳۸۶) «سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، شماره ۴، صص ۲۳۷-۲۰۹.

مرادپور، فرزاد (۱۳۹۱) «امضاء موافقتنامه دوجانبه بوسنی و هرزگوین با اتحادیه اروپا بر سر الحاق به سازمان تجارت جهانی»، قابل دسترس در وب سایت:

(<http://www.irtr.gov.ir/Default.aspx?tabid=2907&articleType=articleId=1523467&>)

هادیان، ناصر، (۱۳۸۲) «سازه انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال هفدهم، شماره ۴

«تحلیل مهم‌ترین تحولات بالکان در گفتگو با رئیس‌جمهور سابق بوسنی»، (۱۳۸۸) ترجمه و تلخیص: حامد صادقی، ایربا، قابل دسترس در وب سایت:
(<http://www.iranbalkan.com/site/index.php?mod=article&cat=169>)

وفایی، داوود (۱۳۸۸) «بازگشت دوباره امریکا: بررسی ابعاد حضور معاون اوپاما در بالکان»، 05.19.2009، قابل دسترس در وب سایت:
<http://www.iranbalkan.com/site/index.php?mod=article>

ونت، الکساندر، (۱۳۸۵) «اقتدارگرایی چیزی است که دولت‌ها خودشان می‌فهمند»، در اندرو لینکلتر (ویراستار)، *جامعه و همکاری در روابط بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

کتاب و مقالات (انگلیسی)

- Avery, Graham, (1999), *the Enlargement of the European Union*, England: Sheffield Academic Press.
- "Bosnia and Herzegovina- relations with the EU", (2008), (<http://www.ec.europ.eu/enlargement/potential-candidate-countries/Bosnia-and-Herzegovina/EU-Bosnia-and-Herzegovina-relation-en.html>).
- "Bosnia Must Fix Constitution to Join Eu", *Balkan Insight*, 22 May 2008, (www.balkaninsight.com/en/main/news/10379)
- Buzan, Barry and Ole Waver, (2003), *Regions and Powers: The structure of International Security*, London: Cambridge University Press.
- Blayr Tony, (24 November 2000), Speech by the Prime Minister, Tony Blair, Zagrec: Eu/Balkan, in Barry Buzan and Ole Waver, *Regions and Powers: The structure of International Security*, (London: Cambridge University Press, 2003)
- Bose, Sumantra, (2002), *Bosnia after Dayton*, London: Churst.
- Burg, Steven L. and Shoup, Raul S., (1399), *War in Bosnia Herzegovina: Ethnic Conflict and International Intervention*, London: ME Sharpe.
- "Eu Expansion –the Pros and Cons Explained ", (9 October 2002), *Times Online*, (www.timesonline.co.uk/tol/tools_and_services/.../article1169095.ece)
- "Eu Concerned about Political Situation in Bosnia ", (27 September 2007), *Bosnia News*,

,(www.bosnia.org.uk /news /news _list.cfm)

"EU-Enlargement: the western Balkans ", (14 March 2007), *Research paper* 07,27.(www.parliament.uk / commons /lib /research /rp2007/rp07-027.pdf)

"EU Enlargement" , (2008), available at: (<http://www.southeast-europe.eu/eu-enlargement/history1.html>)

Hopf, Ted, (1998),The Promise of Construction in International Relations Theory, *International Security* 23(1),

Husejnovic, Enes, ,(18 Mar 2005), "Bosnia and Herzegovina: Prospective Member of the European Union and Strategic Partner United state of America", *Usawc Strategy Research Project* , U.S. Army War College, (<http://www.dtic.mil/cgi-bin/GetTRDoc?AD=ADA432501&Location=U2&doc=GetTRDoc.pdf>)

Chandler, David,(2000), *Bosnia: Faking Democracy after Dayton*, London: Pluto Press. (<http://www.ec.europa.eu/enlargement/presscorner/newsletter/indexen.htm#a7>)

Joseph, Edward. p. and R.Bruce hitchner, ,(June 2008),"waking Bosnia work: why en accession. is not enough", *United States Institute of Peace*. (<http://www.usip.org/resources/making-bosnia-work-why-eu-accession-not-enough>)

Kphlmann, Evan(2004),*Al-Qaidas Jihad in Europe:The Afghan Bosnian Network*,U.S.A:New York.

"NATO,s future role in Bosnia and Herzegovina", (2 December 2004), available at: (<http://www.nato.int/docu/updata/2004/12-december/e1202b.html>)

Nicolaides, Phedon,(2003), *The Feira European Council and the Process of Enlargement of the European Union* ,(www.eipa.nl/cms/repository/eipascope/scop2000_3_2.pdf)

Reggie, J. G, (1998), *Constructing the World Polity: Essays on International Institutionalization* , London and New York: Rutledge.

Rehn, Olli,(2009)," EU Enlargement Five Years on a Balance Sheet and what Next", *European Policy Center Brussels* , 31 March 2009, (<http://www.europa.eu/Rapid/pressReleaseAction.do?Reference=Speech>)

Petrtsch, Wolfgang,(19 Feb, 2008) ,"the Eu's Kosovo Catalyst", *Today's Zaman* (<http://www.todayszaman.com/tz-web/detaylar.do?load=detay&link=134351>)

"Requirements for the integration into the internal market of the European Union and the membership in the union,(2008) EC project- single economic space", available at:(http://www.esiweb.org/pdf/bridges/bosnia/EU_WPR_requirements.pdf)

- Risse, Thomas, (2003), *Social constructivism meets globalization*, Cambridge, polity press, pp 101-112.
- "Sarkozy Warning on Eu Expansion ",(20 Jun 2008), BBC, available at:(www.news.bbc.co.uk/2/hi/europe/7464879.stm)
- Salzmann, Markus ,(20 April 2004) ,"the Social Consequences of European Union Expansion ", *International Committee of the Fourth International (ICFI)*, (www.wsws.org/articles/2004/apr2004/euro-a20.shtml)
- Tupy, Marin L., (July 2004), "The cost of Enlargement", *FIPP Magazine World*, issue 41, , available at: (<http://www.fipp.com/Default.aspx?PageIndex=2002&ItemId=12333>)
- Laffan, B, ,(2001),"The European Union Polity: A Union of Regulative, Normative and Cognitive Pillars", *Journal of European Public Policy*, Vol.6, No.5
- "the Eu Must Keep Its Promise to the Western Balkans ", the Bridge, (2006), (www.cer.org.uk/pdf/essay_balkans_judah_july06.pdf)
- " the Further Enlargement of the Eu: Threat or Opportunity? ",(2005),(53rd Report, Session 2005-06, H1 paper 273)
- "The Bosnian will never Forget Iranian Assistance",(3 may 1996), Reuter, (www.reuter.com).
- "The Bosnian Government is sending soldiers to Iran for infantry training", (3 March 1996), Reuter.(<http://web.payk.net/maillingLists/iran-news/html/1996/msg00179.html>)
- Valasek, Tomas ,(29 November 2007), " Bosnia's Future is Crucial to Greater Europe" , *Financial Times*.(<http://www.cer.org.uk/Article-Ft-Valasek-29Novo7.html>)
- Wendt, Alexander.E, (1992), "Anarchy is What States Make it: The Social construction of Power Politics" , *International Organization*. 46, 2.
- Woehrel, Steven,(2009)," Bosnia: Current issues and Us Polity", *Congressional Research Service*, April 1.(www.fas.org/sgp/crs/row/R40479.pdf)
- Watson, Rory,(October 9, 2002), "EU Expansion The Prose and Cons Explained",*Time Online*, (www.timesonline.co.uk/tol/tools-and-services/specials/article1169095.ece)